



یادداشت

مجتبی خاتونی

برای ایران «ناصر تقوایی» باشید

گویی همین دیروز بود که در آن تلویزیون کوچک سیاه و سفید، «ناخدا خورشید» او را می دیدیم و با آن دیالوگ‌های جان‌دار جان می‌گرفتیم که «مونمی دوئم قانونه کی نوشته، اما می دوئم هیچ جلی دنیا، هیچ قانونی نی که آدمیزاد گشنه بخواد... تا وقتی زن و بچه خواجه‌ماجد تواین ولایت نون می خورن، زن و بچه موهم باید بخورن»، حالا، خالق «ای ایران» و «کاغذبی خط» و آقای مؤلف سینمای ایران، برای مخاطب خود با همان یک جمله آشنای خبری، دار فانی را وداع می‌گوید! و البته که بازگشت همه به سوی او است؛ اما تقوایی، به عنوان یکی از پیشگامان موج نو سینمای ایران، چیزی فراتر از آثارش، از خود برجا گذاشت. مرحوم تقوایی را که با زه‌ای از ۲۲ تیر ۱۳۲۰ تا ۲۲ مهر ۱۴۰۴ رادر این گیتی و بر بستر ایران عزیز سپری کرد، باید بنیان گذار سبک ایران دوستی در میان آنچه سینمای روشنفکری خوانده می‌شود، دانست. به زحمت می‌توان یک پلان یا یک نمای جزئی در آثار او یافت که مادر را، میهن را به زخم‌نیش و کنایه‌ای آزرده باشد؛ امری که در جریان سینمای روشنفکری ایران، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، به رویه‌ای مرسوم و حتی یک عمل آیینی برای ارضای روحی – روانی خودباختگان فرهنگی، و البته دستاویزی برای جلب حمایت و لیخند کارفرمایان غربی بدل شده و تا همین امروز ادامه دارد.

«آقای سرودی» فیلم «ای ایران» را ببینید؛ هنرمندی که اگر چه روز و روزگار را بر وفق مراد خود نمی‌بیند اما دردمندانه می‌ماند و کودگانی را آموزش می‌دهد که از نگاه او، امیدهای فردای بهتر هستند. او خود تقوایی است در منظومه فکری‌ای که برای خود ساخته بود؛ هنرمندی که گلایه، کم‌ناداشت اما ماند و برای ایران عزیز، هنرمندی کرد.

سخت است ناصر تقوایی شدن؛ اینکه سانسور بشوی، انکار بشوی یا حتی با یک تصمیم شخصی، کم‌کاری را انتخاب کنی، اما مرزی هر چند باریک و شکننده، بین گلایه‌مند بودن و پشت کردن به مادر، قائل باشی.

تقوایی، تقوای ایران داشت که اگر این نمی‌بود، ویتترین افتخاراتش از نخل و خرس و آن بت‌زین دست به سینه کذایی، نباید خالی می‌ماند. البته که او را نمی‌توان با هیچ چسبی به گفتمان سیاسی – فرهنگی غالب (که نویسنده این سطور هم به آن تعلق دارد) چسباند، همان گونه که کمترین شباهتی میان او و جریان مبتذل شبه‌روشنفکری غرب‌بیز نیز پیدانمی‌شود.

برای اهالی معاصر هنر و سینمای ایران، شاید بهترین پیشنهاد این است که در دوره جایزه‌بگیران دوره گرد بی‌وطن؛ شما ناصر تقوایی باشید و ناصر تقوایی بمانید. اما برای متولیان فرهنگ، حرفمان باید حرف دیگری باشد: آن هم اینکه نام و نمود ناصر تقوایی، یادآور این واقعیت است که از ابتدا هم قرار نبود تقوایی و بیضایی و مانند آن‌ها، مثلاً سلحشور، حاتمی کیا و... باشند (که ایشان نیز بزرگ‌اند و بسیار شایسته احترام) چه نیکو است که در اثر درست‌اندیشی متعهدانه و دوری از تنگ‌نظری‌ها، سینمای ایران، باز هم نام‌ها و آثار بزرگی را بر سررد پردیس‌ها ببیند که مخاطبی مثل من، بیست و چند سال پس از تماشای یک فیلم سیاه و سفید اقباسی، در ابعاد ۱۴ اینچی، هنوز نام نویسنده و کارگردان آن را به خوبی به خاطر داشته باشد!

بدرود آقای مؤلف سینمای ایران؛ بدرود آقای تقوایی، شما ایران را دوست داشتید و ایران، شما را دوست داشت.

خبر

سخنگوی دستگاه قضا به پرسش خبرنگار قدس پاسخ داد
برداشت پول بابک زنجانی در مالزی؟
آرش خلیل‌خانه | سخنگوی دستگاه قضا درباره ادعای توقیف اموال بابک زنجانی در مالزی که به نفع وزارت نفت مصادره شده بود، گفت: اثبات این ادعا با آن‌هایی است که آن را مطرح کرده‌اند. اصغر جهانگیر در پاسخ به پرسش خبرنگار قدس افزود: به موجب مقررات قانونی اگر من ادعا کنم که مالی دارم و این مال توقیف شده یا به نوعی از دسترس من خارج شده است، خودم باید تأمین دلیل کنم؛ لازم نیست طرف مقابل یا شاکی یا دیگران تأمین دلیل کنند. خودشان اگر توانستند اثبات کنند که مالی برداشته شده حتماً ترتیب اثر داده می‌شود. این مقام ارشد دستگاه قضا گفت: بر اساس کارشناسی صورت گرفته آن مبالغ از اموال و محموله‌هایی که بوده نه تنها تکافوی بدهی او را داشته که بیشتر هم هست.

■تبادل جاسوسان فرانسوی مطرح نیست

اصغر جهانگیر در پاسخ به پرسش دیگری درباره آخرین وضعیت مهدیه اسکندری، شهروند ایرانی‌ای‌باش‌دشت شده در فرانسه و اقدام‌های صورت گرفته برای رهایی وی اظهار کرد: وزارت خارجه و معاونت امور بین‌الملل قوه قضائیه تلاش‌های را برای آزادی و انتقال این هموطن آغاز کرده‌اند و پیگیری‌ها ادامه دارد.

وی درباره امکان مبادله وی با دو تبعه فرانسوی محکوم شده به جرم جاسوسی در ایران هم گفت: چنین چیزی مطرح نیست.

■فعالان در سکوهای خارجی هم رصد می‌شوند

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به پرسشی درباره اجرای طرح سفید برای شناسایی اقدام‌های مجرمانه در سکوهای خارجی گفت: برخی افراد تصویری کنند حضور در شبکه‌ها و سکوهای خارجی به معنای مصونیت از پیگرد قانونی است و می‌توانند هر اقدام مجرمانه‌ای علیه امنیت روانی، اجتماعی و خانوادگی مردم انجام دهند؛ اما این گونه نیست. جهانگیر تأکید کرد: هشتدار مابه‌افراد این است که فکر نکنند حضور در شبکه‌های خارجی به معنای عدم رصد توسط نهادهای داخلی است.

■قوانین در مورد حجاب به قوت خود باقی است

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به پرسش دیگری درباره اجرای قانون حجاب و اظهارات محمدرضا باهنر در این باره گفت: قوانین به قوت خود باقی است و قانون مجازات اسلامی به نوعی برای این اقدام‌ها و اقدام‌های مشابهی که انجام می‌شود مجازات در نظر گرفته است و براساس آن قانون اجرا خواهد شد.

با وجود نقض آشکار تعهدها و تجاوز به خاک کشور، آیا باز هم می‌توان مذاکره با آمریکا را راه‌حل مشکلات دانست؛ چنان‌که وزیر خارجه پیشین گفته است؟

انکار تجربه!

سیدحسین حسینی | اظهارات تازه وزیر خارجه پیشین درباره ضرورت گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا وهشدار او مبنی بر اینکه «زمان به نفع ایران نیست»، بار دیگر پرونده پرابهام دیپلماسی سازش‌محور را به صدر اخبار سیاسی بازگرداند. محمدجوادظریف که به‌دلیل مواضع بحث‌برانگیزش باموجی از انتقادهاروبه‌رواست، این بار در گفت‌وگو با رسانه «النهار» لبنان، با تکرار همان نگاه خوشبینانه به غرب، بر ضرورت مذاکره مستقیم با واشنگتن تأکید کرده‌است. این مواضع در حالی بیان می‌شود که تجربه‌های فراوان نشان داده‌تکیه بر میز

مسیر نقض عهد، قابل تکرار نیست

محسن پاک‌آیین، دیپلمات پیشین | واقعیت این است که یکی از مهم‌ترین دلایل خودداری جمهوری اسلامی ایران از مذاکره دوباره با آمریکا، تجربه است؛ تجربه‌ای تلخ و تکرارشونده که نشان داده هر گاه به نام «مصلحت نظام» یا یانیت گشودن گره‌های اقتصادی و سیاسی با آمریکایی‌ها پای میز گفت‌وگو نشست‌ایم، در نهایت این طرف آمریکایی بوده که عهدشکنی کرده و در مقابل حسن نیت ایران، خصومت و دشمنی نشان داده‌است. مهم‌ترین مصداق این تجربه، مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ بود؛ توافقی که به نام «برجام» شناخته شد. آمریکایی‌ها، به ویژه در دوره ترامپ، نه تنها به تعهدات خود در زمینه لغو تحریم‌ها پایبند نماندند، بلکه با خروج یک‌جانبه از توافق، مسیر اجرای برجام را نیز به بن‌بست کشاندند. در همین حال، واشنگتن با فشار و تهدید، مانع اجرای تعهدات اروپا نیز شد؛ یعنی در شرایطی که اروپایی‌ها اراده



مستقل نداشتند، آمریکا همان اندک امکان ارتباط مالی و بانکی با ایران را نیز از آن‌ها سلب کرد. این روند عهدشکنی، تنها به برجام ختم نشد. در ماه‌های گذشته نیز در مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا در عمان که پنج دور برگزار شد و قرار بود دور دور ششم شود، باز هم همان الگوی فریب و نقض تعهد تکرار شد. درست در آستانه این دور از گفت‌وگوها و در حالی که فضای مذاکرات می‌توانست به سمت نتیجه مثبت حرکت کند، رژیم صهیونیستی با چراغ سبز آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد. وقتی پس از ۱۲ روز، این حمله در آستانه شکست قرار گرفت، خود آمریکایی‌ها هم مستقیماً به کمک تل آویو شتافتند و به حریم ایران تجاوز کردند. این‌ها همه تجربه‌های عینی و مستند ملت ایران است. تجربه‌هایی که ثابت می‌کند هر گونه اعتماد به وعده‌های آمریکا، در عمل به افزایش فشار، نفوذ و ناامنی منجر می‌شود. امروز دیگر هیچ دلیل منطقی و هیچ توجیه سیاسی وجود ندارد که ایران بخواهد بار دیگر همان مسیر پرهزینه را پیماید.

آقای ظریف اصل تجربه را به رسمیت نمی‌شناسد!

عبور کرد و همان نسخه شکست‌خورده را باز هم تکرار کرد. آمریکایی‌ها اساساً جویای مذاکره صادقانه نیستند. آن‌ها «دیکته» را قبول دارند. دیکته‌ای که آمریکایی‌ها و دنباله‌های آن طرح می‌کنند چهار محتوای روشن دارد: ۱) برنامه هسته‌ای‌تان را کنار بگذارید، ۲) برد موشک‌هایتان را به محدودهای محدود کنید، ۳) اسرائیل را به رسمیت بشناسیدو ۴) حمایت از مقاومت در منطقه را متوقف کنید. این، مذاکره نیست؛ این، تحمیل اراده و نقض حق حاکمیت است. آیا ما که علیه دیکتاتوری داخلی، شعار سرنگونی دادیم، باید زیر چتر یک «دیکتاتوری جهانی» برویم؟ پاسخ روشن است؛ هرگز. این درست که دیپلماسی یعنی گفت‌وگو، اما گفت‌وگو با اقتدار و خطوط قرمز مشخص؛ نه تسلیم در برابر دیکته‌های تحمیلی. آنکه تجربه را انکار کند و به تکرار نسخه‌های شکست‌خورده اصرار داشته باشد، باید در برابر تاریخ و افکار عمومی پاسخگو باشد. ما تجربه‌ها را فراموش نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد منافع و عزت ملی در برابر وعده‌های توخالی معامله شود.



محمد کاظم انبارلویی، فعال اصول‌گرا | اشکال اساسی آقای ظریف از منظر بسیاری از ناظران و تحلیلگران این است که او تجربه را به عنوان معیاری محوری در تصمیم‌گیری نمی‌پذیرد. تجربه‌بشری و تجربه میدانی دیپلماسی نشان داده‌هر گاه ما با خوش‌خیالی و به نام «مصلحت» وارد مذاکره با طرف آمریکایی شدیم، نتیجه‌نه تنها پیشرفت نبود، بلکه تحمیل و خسارت بود. در دولت قی، تیمی رفت و پای یک توافق بین‌المللی را امضا کرد؛ سندی که اضماعی ۶ قدرت جهانی پای آن بود اما آمریکا یک‌جانبه آن را پاره کرد. سه کشور اروپایی نیز به تعهدات مکتوب خود عمل نکردند. این‌ها «تجربه»‌هایی است واقعی، عینی و فراموش‌نشدنی. پیش از آن نیز تجربه مذاکره مستقیم با غیرمستقیم با آمریکایی‌ها داشتیم و نتیجه چیز دیگری جز عهدشکنی و تحمیل نبود.

اما اشکال آقای ظریف این است که «اصل تجربه» را به رسمیت نمی‌شناسد؛ گویی می‌پندارد می‌توان از تاریخ



سید جلال ساداتیان، دیپلمات پیشین | آمریکا در مقطعی که مذاکرات در جریان بود، به خاک کشورمان حمله کرد. این تجربه‌ای نیست که فراموش بشود، اما تجربه دیپلماسی جهانی هم نشان می‌دهد حتی طرف‌های درگیر جنگ مانند اروپایی‌ها و روسیه در مسئله اوکراین، برای پیشبرد منافع خود مذاکره می‌کنند و درهای گفت‌وگو را نمی‌بندند. تجربه نشان داده حتی اگر طرف مقابل به وعده‌های خود پایبند نباشد همچنان که طرف آمریکایی نشان داده به تعهداتش پایبندی ندارد، باز هم قهر و کنار کشیدن راه حل نیست. ما به عنوان کشوری بزرگ با جمعیت بیش از ۹۰ میلیون نفر و موقعیت ژئوپلیتیکی حساس، نمی‌توانیم با خودداری از گفت‌وگو، منافع ملی‌مان را تأمین کنیم. اصل این است که نشستن پای میز مذاکره، صحبت کردن و بیان مواضع، حداقل زمینه‌ای برای نمایش حقانیت ما فراهم می‌کند، حتی اگر طرف مقابل قانع نشود. گفت‌وگو به معنای تسلیم محض نیست،

گفت‌وگو به معنای تسلیم شدن نیست

بلکه قدرت دیپلماسی و مدیریت بحران است. ترس و واهمه از طرف مقابل نمی‌تواند ما را از گفت‌وگو بازدارد؛ بلکه نشستن پای میز و بیان شفاف مواضع، احتمالاً فرصت‌هایی هم به همراه داشته باشد. در این مسیر، فرستاده ویژه و نمایندگان کشور باید ابزارهای دیپلماسی را با اقتدار و بدون انفعال به کار گیرند. همچنان‌که تجربه نشان داده گفت‌وگوی بدون اقتدار نمی‌تواند دستاورد چندانی داشته باشد، هر گونه عقب‌نشینی یا قهر هم نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه موقعیت کشور را تضعیف می‌کند. من پیش از آنکه اروپایی‌ها نامه خود را به سازمان ملل یا شورای امنیت برای فعال کردن مکانیسم اسنپ‌بک ارسال کنند، بارها و به روش‌های مختلف این نکته را تأکید کرده‌ام که حل مسائل بدون مذاکره ممکن نیست. این اظهاراتم هم در رسانه‌ها منتشر شده‌است. واقعیت امروز دیپلماسی این است که گفت‌وگو و مذاکره هیچ گاه به معنای تسلیم شدن نیست؛ بلکه ابزار اصلی برای حفظ منافع ملی و مدیریت بحران هاست.

هدفمند و هوشمند عمل کنیم

عده‌ای از جمله آقای ظریف تأکید می‌کنند باید تا حد امکان مشکلات را از طریق گفت‌وگوی مستقیم حل کرد؛ من این اصل را رنفی نمی‌کنم، اما پرسش این است که آیا طرف مقابل هم «مذاکره» را به معنای واقعی قبول دارد یا فقط «دیکته» می‌خواهد؟ تحمیل شروط یک‌جانبه از جمع کردن برنامه هسته‌ای تا محدودیت برد موشک و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی مذاکره نیست، بلکه تحمیل اراده است. تجربه نشان داده حتی وقتی ما یا پیش گذاشتیم و پای میز مذاکره نشستیم (مانند دوره‌ای که ۵+۱ پای یک توافق را امضا کردند)، طرف مقابل گاهی از تعهداتش تخلفی کرد. با وجود این، پاسخ منطقی این نیست که نخبگان و دیپلمات‌های باتجربه را از اظهار نظر محروم کرد؛ یا از ظرفیت گفت‌وگو وحشت کنیم. تجربه ۱۲ روز مقاومت اخیر به ما نشان داد وقتی لازم باشد، ایران از منافع و امنیت خود دفاع می‌کند؛ اما همین تجربه باید موجب شود در بعد دیپلماتیک هم هدفمند و هوشمند عمل کنیم.

محمدصادق جوادی حصار **فعال اصلاح‌طلب** | مسئله رابطه با آمریکا را باید از یک جمله تاریخی امام خمینی (ره) آغاز کرد: زمانی‌که لانه جاسوسی تسخیر شد، برخی پیشنهاد دادند با تغییر ساختارها و اصلاح‌حاتی صرفاً «صلح» را پیش ببرند، اما امام (ره) با حقیقتی راهبردی مواجه‌مان کرد؛ اینکه ما تا ابد قرار نیست با دنیادر حال نزاع باشیم؛ مهم این است که منافع ملی چگونه تأمین می‌شود. اگر صلح منافع و امنیتمان را تأمین کند، خواهان صلحیم؛ اگر جنگ و مقاومت این کار را بکند، نیروهایمان را آماده‌نگاه می‌داریم. بنابراین اصل مسئله روشن است: اولویت با تأمین منافع ملی است، نه ایدئولوژی قطع ارتباط. در این چارچوب باید به همه صاحب‌نظران و تجارب پیشین گوش داد چه موافق مذاکره باشند و چه مخالف؛ هیچ کس حق ندارد ادعای انحصاری دلسوزی برای کشور را داشته باشد. کارنامه‌ها و شواهد عینی، متر و معیار قضاوت‌اند. در عین حال نباید از تجربه تاریخی چشم‌پوشی کرد.



نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با قدس:

تعامل قوا در مقطع فعلی، بی‌نظیر است

ایران، قطع کردن دست متجاوز و تنبیه مقتدرانه است؛ اقدامی که به‌عنوان دستور اول کار تعیین شده و اقدام‌های بعدی بر پایه آن شکل خواهد گرفت. مقتدایی با هشتاد ره «آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها و همه کسانی که به‌صورت قرضی و عاریتی در منطقه برای خود پایگاه و جایگاهی درست کرده‌اند» اظهار می‌کند: بیگانگان در منطقه باید بدانند ایران با وسعت، جمعیت، هویت و اعتقاداتش، در دفاع از خود هیچ تعارف و وقفه‌ای نخواهد داشت و برای تنبیه متجاوز، قاطعیت لازم را به کار خواهد گرفت. اکنون آزموده را آزمودن خطاست.

به بهانه بیان جزئیات تازه از چند پرونده پرحاشیه قضایی

چراغ روشن عدالت

در چند سال گذشته، کارنامه‌ای به مراتب قابل دفاع‌تر در برخورد با مفاسد دانه‌درشت‌ها و آفازادها داشته تا نشان بدهد چراغ امیدبخش عدالت همچنان روشن است؛ اگرچه عدلیه در مواردی هم عملکردی ناگارا داشته‌است. انتظار می‌رود با تأییداتی که از سوی افکار عمومی و رسانه‌های مستقل و متعهد دریافت می‌شود، عزم راسخ عدلیه برای مقابله با مفسدان تبدیل به یک رویه روزمره و تکرار‌شونده با هدف پاک‌سازی ارکان مختلف از مفاسدی شود که به‌به شکلی مستقیم، اعتماد مردم به نظام مقدس جمهوری اسلامی را نشانه رفته‌است.

در این مسیر، چند توصیه ضروری به دستگاه‌قضا می‌توان داشت؛ به‌نظر گاهی لازم‌است برای جلوگیری از اقدام‌هایی که سبب‌ساز بی‌اعتمادی عمومی به نظام به‌ویژه در بخش

